

ت مثل تروتسکی: قهرمانی که باید تمام تقصیرها را به گردن می گرفت



در سراسر تاریخ جنبش طبقه ی کارگر شخصی را نمی توان تجسم نمود که سرنوشتی آمیخته از قهرمانی و حزن انگیزتر از تروتسکی داشته باشد. «تروتسکی» به عنوان رئیس شوراهای «سن پیترزبورگ» در مرکز سازمان دهی انقلاب اکتبر قرار داشت. او ارتش میلیونی سرخ را سازمان دهی و بنا نمود. او به همراه لنین با هدایت جنبش بین الملل کمونیستی، میلیون ها

کارگر را در سراسر جهان رهبری کرد. اما تروتسکی زندگی اش را به عنوان یک انقلابی تحت تعقیب که تنها تعداد کمی پیرو و همین طور تاثیر بسیار کمی بر حوادث گذاشت، به پایان برد.

«تروتسکی» در سال ۱۹۰۶ میلادی به تکامل «تنوری انقلاب مداوم» پرداخت. این تنوری، کردار و پندار تروتسکی را تا آخر عمر جهت داد. هسته ی اصلی این تنوری، بازشناسی اثر متقابل مابین سرمایه داری بین المللی و عقب افتادگی روسیه تزاری بود. تروتسکی استدلال کرد مساله ی ضروری این است که انقلاب دمکراتیک دهقانان برای نابودی فئودالیزم در روسیه (انقلاب در یک کشور) با انقلاب سوسیالیستی (انقلاب جهانی) ترکیب شود.

تروتسکی با تنوری انقلاب مداوم خود حتی از لنین نیز پیشی گرفت؛ او در شرح تنوری خود از تاثیر ناگزیر انقلاب روسیه بر جنبش کارگری جهان و شکست اجتناب ناپذیر پرولتاریای روسیه در صورتی که انقلاب جهانی شکست بخورد و قادر به کمک به آن ها نباشد، سخن راند.

انقلاب اکتبر اثباتی شد بر تنوری تروتسکی، در حالی که انزوای کارگران روسیه بعد از شکست انقلاب آلمان، تاکیدی منفی بر این تنوری گردید.

فصل جدیدی در زندگی تروتسکی با مبارزه بر علیه بوروکراسی، دفاع از دموکراسی کارگری در روسیه و همین طور تبدیل بین الملل انقلابی به شعبه ی دولتی حکومت استالینیستی، آغاز شد.

تروتسکی در سال ۱۹۲۹ از روسیه اخراج و در سراسر اروپا به وسیله ی جاسوسان استالین مورد تعقیب قرار گرفت. بیشتر اقوام او به دست حکومت استالین کشته شدند و او سرانجام مجبور گردید آخرین سال های زندگی را

در مکزیک سپری کند. با این وجود تروتسکی هرگز متزلزل نشد و بهترین نوشته های خود را در همین دوره به نگارش در آورد.

رهبری استالینیستی باعث یک سلسه شکست های پی در پی در جنبش کارگری جهان شد. دوباره موقعیت های نیمه انقلابی و انقلابی که باید تبدیل به انقلابات پیروزمند می شدند با پیروزی ارتجاع به پایان رسیدند.

بدترین شکست طبقه ی کارگر جهانی در سال ۱۹۳۳ در آلمان به وقوع پیوست. اهمیت پیروزی هیتلر در گشودن در به روی ارتجاع جهانی، به بزرگی پیروزی بلشویک ها در سال ۱۹۱۷ در بازگشایی درها به روی انقلاب جهانی بود. اما «بین الملل کمونیستی» در زیر سیطره ی استالین هیچ انتقادی به سیاست های حمایتی حزب کمونیست آلمان از فاشیست ها که سبب به قدرت رسیدن هیتلر شد، نکرد. استالینیست ها به جای مبارزه با فاشیست ها، مبارزه با رفرومیست ها را در دستور کار خود قرار دادند. دوباره و باز دوباره این تجزیه و تحلیل تروتسکی بود که صحت خودش را به اثبات رسانید. هر چند، تروتسکی راهی برای گسترش بخشیدن به نظراتش و دست یافتن به پیروزی قابل توجه ایی در این دوره نداشت.

در مقابل ماشین هیولانی هیتلر که استخوان و روح هزاران انسان را خرد نمود، بین الملل استالینیستی مبدل به یک مذهبی شد که به تخدیر انسان ها در یک دنیای عاری از احساسات و عاطفه می پرداخت.

در آن زمان رد کردن [سیاست های] استالین به شدت دردناک بود. به دردناکی معتادی که سعی دارد مواد مخدرش را ترک نماید. من بخاطر دارم که دوستم یک جفت کفش روسی خرید و آن ها را بوسید، نه بخاطر این که او احمق بود بلکه به خاطر درد وحشتناک و ترسی که از آینده نامعلوم داشت

این کار را کرد. در ژانویه ۱۹۳۳ هیتلر قدرت را در دست گرفت. در فوریه ۱۹۳۴، فاشیست ها طبقه ی کارگر اطیش را درهم کوبیدند و در همان ماه عمل مسلحانه را در پاریس سازمان دهی کردند (اگرچه آن ها این عمل را به خود نسبت داده و رد نمودند). هر روز صبح اولین چیزی را که در روزنامه ها جستجو می کردیم این بود که ببینیم چند کارگر مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند. جذابیت و کشش روسیه و حزب استالینیست حاکم نیز تقریباً غیرقابل مقاومت بود. این باعث انزوای هر چه بیشتر تروتسکیست ها شد. آن ها مورد اذیت آزار بدنی توسط استالینیست ها قرار می گرفتند. من به خاطر دارم که «حزب کمونیست فلسطین» در یکی از اعلامیه هایش چطور نام و آدرس دو نفر را با عناوینی نظیر تروتسکیست، فاشیست و جاسوس پلیس انتشار داد. نتیجه این شد که آن دو نفر بلافاصله به وسیله پلیس انگلیس دستگیر شدند.

اما اذیت و آزارهای فیزیکی مساله ی اصلی نبود بلکه مورد اصلی احساس درماندگی ایی بود که در مواجهه با ماشین نظامی عظیم آلمان (هیتلریزم) و حریفش یعنی ارتش سرخ روسیه (استالینیزم) به وجود می آمد.

پس «دادگاه های مسکو» چطور؟ بعد از وارد کردن اتهاماتی نظیر «جاسوسی به نفع نازی ها» به رهبران انقلاب اکتبر، بخش زیادی از کمیته ی مرکزی حزب لنین، رئیس کمینترن و رهبر اصلی ارتش سرخ [از جانب دستگاه سرکوب استالین]؛ باید بسیار احمقانه به نظر برسد که اعتبار استالین خراب و به موقعیت تروتسکی کمک گردد. در حقیقت عکس این مساله اتفاق افتاد، ترس از نازیزم و ناتوانی در روبرو شدن با آن چیزی

که به وسیله ی دادگاه های مسکو پرورده می شد نه به تروتسکی بلکه به استالین مدد رساند.

تفکر مستدل تروتسکی در هیچ صورتی [در آن مقطع] نمی توانست آرزوهای شکست خورده ی کارگران را ارضاء کند. در هر بحران جدیدی چیزی که بالاتر از همه ضرورت دارد یک حزب انقلابی توده ایی است که وضعیت موجود را به انقلاب پیروزمند تبدیل سازد. اما در آن مقطع چنین حزبی وجود نداشت و بسیار مشکل بود که چنین حزبی ساخته شود. درد و ناتوانی [طبقه ی کارگر و رهبران] به ناتوانی بزرگ تر هدایت و درد بزرگ تر به شکست بزرگ تر تبدیل شد که به نفع استالینیزم از طرفی و نازیزم از طرف دیگر تمام شد.

در یک سلسله شکست های جنبش تروتسکیستی، مسائل تاریخی و بیولوژیکی از هم تفکیک ناپذیرند. تروتسکی که رهبر میلیون ها نفر در بین سال های ۱۹۲۱-۱۹۱۷ بود مبدل به رهبر گروه های بسیار کوچک شد. او بهای شکست جنبش را با خونسپرداخت. این واقعیت دارد که تاریخ ما مملو از شهیدانی است که زندگی خود را در راه هدفشان از دست دادند؛ از ۳۰۰۰۰ نفر جانباخته در کمون پاریس گرفته تا شخصیت های نظیر لوکزامبورگ و کارل لیبنکخت. اما تروتسکی بهای سنگین تری از هر کس دیگر پرداخت نمود؛ آن ها فقط یک بار کشته شدند اما تروتسکی بارها کشته شد. از چهار فرزندش دو نفر در بازداشتگاه های استالین جان باختند، یکی دیگر مجبور به خودکشی در برلین و دیگری در پاریس کشته شد. اولین همسر تروتسکی به سیبری تبعید و در آن جا مرد و سرانجام تروتسکی خودش به وسیله ی تروریست استالین به قتل رسید.

تاریخ اثبات خواهد کرد که ایده های اساسی تروتسکی نظیر دفاع از انترناسیونالیزم، دفاع از دموکراسی کارگری، مخالفت با هرگونه بوروکراسی و اعتماد به توانایی طبقه کارگر در دست یافتن به آزادی، به عنوان مهم ترین میراث [طبقه کارگر] باقی خواهد ماند. در این راستا، آینده متعلق به تروتسکی و تروتسکیزم خواهد بود.

تونی کلیف

ترجمه: ر. راسخ

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N 3XX, UK

ایمیل: yasharzarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری